

شیوه مطلوب قرائت قرآن کریم از منظر روایات معصومان علیهم‌السلام با رویکرد انتقادی به شیوه‌های جدید

محمد رسول آهنگران^۱

محمد رضا محمودی^۲

چکیده

در منابع دینی در موضوع قرائت قرآن روایات زیادی وجود دارد. با توجه به مجموع روایاتی که در شریعت مقدس به چشم می‌خورد، پی می‌بریم که مراد شارع از تلاوت صحیح و با رعایت آداب چه تلاوتی است؛ از یک طرف، امر به تغنی در برخی روایات به دلیل اشتباه ریشه غنا با استغنا مورد استدلال برخی قرار گرفته است و از طرفی دیگر، عدم تعریف واضح از کلماتی مانند ترجیع و طرب، باعث ایجاد اختلافات زیادی میان علما شده است. در بررسی‌های انجام گرفته مشخص گردید احادیث مذمت قاریان - که قرآن را با الحان ویژه فسق و فجور می‌خوانند - مخصص دیگر احادیث هستند. بنا بر این، احادیثی که امر به زیبا خواندن قرآن دارند، به زیبا خواندن قرآن در چارچوب و اصولی مانند توجه به معنا محدود می‌شوند و خروج از این اصول برای قاری جایز نیست. این چارچوب با هدف تأثیرگذاری بیشتر و مانع شدن از انحراف در قرائت قرآن ایجاد شده که حدود آن از بیان آیات و روایات و بررسی سیره تاریخی روشن می‌شود.

کلید واژه‌ها: قرائت، تغنی، الحان، مشروعیت، نغمات.

مقدمه

از گذشته، قرائت قرآن کریم جزء مراسمات مسلمانان بوده است. معنویت این مراسم با

۱. دانشیار دانشگاه تهران - پردیس فارابی (ahangaran@ut.ac.ir).

۲. کارشناس ارشد دانشگاه تهران - پردیس فارابی.

صدای زیبا و الحان مناسبی که توسط قاری انتخاب می شود، مضاعف می گردد. ترکیب هنر با معنویت خاصی که الفاظ قرآن دارند، به همراه معنای عمیقی که با این الفاظ عجین شده اند، معجزه ای جاوید از این کتاب آسمانی به وجود می آورد.

اهمیت زیبا خواندن قرآن در روایات مختلف بیان شده است، ولی در این میان، اختلافاتی وجود دارد. برخی برای این زیبا خواندن حد و مرزی قایل نیستند و برخی معتقدند که فقط باید با الحان اصیل عرب قرائت کرد. در این میان هر دو طرف برای اثبات ادعای خود به احادیث و سیره تاریخی استناد کرده اند.

برخی، احادیثی را که در مذمت قاریان آخر الزمان آمده و آنها را به علت خواندن قرآن با الحان فسق و فجور مورد نکوهش قرار داده، دلیلی برای اثبات مدعای خود در خصوص بازگشت به الحان عرب می دانند و از طرف دیگر، موافقان نیز احادیثی را که امر به زیبا خواندن قرآن دارد، دلیل مدعای خود قرار داده اند.

در این میان، بحث و اختلاف زیادی در میان این دو گروه وجود دارد و باید در نحوه فهم هر یک از گروه ها در احادیث تجدید نظر نمود.

مبانی مشروعیت قرائت قرآن به سبک جدید

مهم ترین منبعی که در بحث مشروعیت قرائت قرآن کریم با الحان جدید وجود دارد، احادیث زیادی است که در باب تحسین صوت به قرآن، در کتب روایی یافت می شود. اینک برخی از این احادیث را بررسی می کنیم:

حدیث اول

عن النبی صلی الله علیه و آله: زَيِّنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ (رضی، ۱۴۲۲ق، ص ۲۶).

همان طور که از متن حدیث برمی آید، پیامبر صلی الله علیه و آله در این کلام به زیبا خواندن قرآن امر کرده اند و دستور داده اند که قرآن را به وسیله صدای خود زیبا بخوانیم و اگر قرار بود این زیبا خواندن محدود باشد و حد و مرزی برای آن تصور شود، به یقین، در حدیث ذکر می شد. بنابراین، از عام بودن حدیث، این مطلب استفاده می شود که قرائت قرآن به سبک امروزی را پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تأیید کرده است؛ زیرا قرائت های امروزی با هدف زیبا خواندن قرآن صورت می پذیرد و از محرماتی مانند خواندن قرآن با ابزار آلات موسیقی نیز اجتناب می شود. بنا بر این، نه تنها دلیلی بر عدم جواز نداریم، بلکه طبق مفاد این حدیث، قرائت های امروزی مصداق امر پیامبر صلی الله علیه و آله واقع شده اند.

حدیث دوم

إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ حَلِيَّةً وَحَلِيَّةَ الْقُرْآنِ الصَّوْتُ الْحَسَنُ (کلینی، ۱۳۶۵ ش، ج ۲، ص ۶۱۵).

بر پایه معنای حدیث، زینت قرآن، قرائت آن با صدای نیکو است و این نشان دهنده اهمیت خواندن قرآن با صدای نیکو است. طبق بیان این آیه، قرائتی که موجب زیباتر خواندن قرآن شود و سبب زینت بخشیدن به آن کتاب آسمانی گردد، نیکو و مورد تأیید بوده است. بنا بر این، قرائت‌های امروزی - که برای زیباتر خواندن قرآن و زینت بخشیدن به آن، انجام می‌شوند - به تأیید حدیث رسیده است.

حدیث سوم

حَسِّنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ فَإِنَّ الصَّوْتَ الْحَسَنَ يَزِيدُ الْقُرْآنَ حُسْنًا (صدوق، ۱۳۷۸ ق، ج ۲، ص ۶۹).

در این حدیث هم به زیبا خواندن قرآن امر شده است و به بیان حدیث، زیبا خواندن قرآن، زیبایی مضاعفی به این کتاب آسمانی می‌دهد و این هم دلیلی است که ما باید به دنبال زیبا خواندن قرآن باشیم و قرائت‌های امروزی مصداق کاملی در جهت زیباتر خواندن این کتاب آسمانی است.

حدیث چهارم

فَمَنْ لَمْ يَتَعَنَّ بِالْقُرْآنِ فَلَيْسَ مِنَّا (کلینی، ۱۳۶۵ ش، ج ۲، ص ۶۰۵).

در بین احادیث موجود خطاب این حدیث بسیار شدیدتر از احادیث دیگر است. در این حدیث عنوان شده کسی که قرآن را با غنا نخواند از ما نیست و همگی می‌دانیم از خصوصیات بارز معصومان علیهم‌السلام قرائت زیبا و دلربای آنها بوده است. بنا بر این، خواندن قرآن با غنا از جمله توصیه‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به مسلمانان بوده که همگی باید در حد توان خود آن را رعایت نمایند و قرائت‌های امروزی هم در مسیر عملی کردن این توصیه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قرار دارد. بنا بر این، قرائت‌های به سبک امروزی، به طور کامل، به تأیید پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رسیده است.

آنچه از احادیث ذکر شده قابل فهم است، تأیید این دسته از احادیث نسبت به قرائت‌های امروزی است؛ زیرا در تمامی این احادیث، قرائت قرآن با صوت حسن و نیکو تأیید شده و حتی به آن امر شده و در حدیث آخر به خواندن قرآن با غنا شده است. این که درباره، امر به با غنا خواندن قرآن شده، نشان دهنده اهمیت زیبا خواندن این کتاب

آسمانی است. بنا براین، قرائت‌هایی که در زمانه ما رایج هستند، به طور کامل از مشروعیت برخوردار بوده و به تأیید پیامبر اسلام ﷺ رسیده است. نیز اشکالاتی که بر عدم مشروعیت این نوع از خواندن قرآن مطرح می‌گردد، با ملاحظه این احادیث و اهمیت آنها به زیبا خواندن قرآن برطرف می‌شود.

نقد مبانی مشروعیت

پس از بیان مبانی مشروعیت، لازم است انتقادات وارده بر این دلایل را بیان کنیم. لازم است معنای «زینوا» و معنای «اصواتکم» در حدیث اول - که پیامبر ﷺ فرمودند: «زینوا القرآن باصواتکم» - روشن شود.

مسلم است که پیامبر اسلام ﷺ به گونه‌ای سخن می‌گویند که قابل فهم عمومی باشد و همان طور که در احادیث مختلف آمده است، پیامبران وظیفه دارند که با مردم بر اساس فهم آنها سخن بگویند (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۱۹۵). حال، در این جا این سؤال مطرح است که آیا این سبک از تغنی در زمان پیامبر ﷺ وجود داشته است یا نه؟

اهمیت این سؤال در جایی مشخص می‌شود که در فرض عدم وجود سبک‌های جدید در زمان پیامبر ﷺ عمومیت حدیث شامل سبک‌های امروزی نشده و استدلال به حدیث برای جواز سبک‌های امروزی، ناقص می‌شود. حال، برای اثبات این مدعا به منابع تاریخی رجوع می‌کنیم:

اولین مطلبی را که باید بررسی کنیم، سیره تاریخی پیامبر ﷺ و معصومان علیهم‌السلام در قرائت قرآن است. با مطالعه و بررسی روایاتی که به نحوه قرآن خواندن پیامبر ﷺ اشاره دارند، می‌توان به تفسیری روشن از چگونگی ترتیل آیات دست یافت. این روایات را می‌توان به چند دسته - که هر کدام بیان‌کننده حالت خاصی از تلاوت آن حضرات هستند - تقسیم کرد. هم چنین، می‌توان از به هم پیوستن مجموعه این روایات، تصویری روشن از نحوه قرآن خواندن آن حضرت را در ذهن مجسم ساخت.

۱) دسته‌ای از روایات، تلاوت آن حضرت را تلاوتی با بیان نیکو و ادا کردن حروف و کلمات (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۲۳۲) با بیانی روشن معرفی می‌کنند؛ به گونه‌ای که هر شنونده‌ای قادر باشد تک تک حروف و کلمات را به طور کامل و واضح بشنود (طباطبایی، ۱۴۱۹ق، ص ۴۶؛ سجستانی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۲۶۱).

۲) دسته‌ای دیگر، تلاوت آن حضرت را بسیار آرام و شمرده و حرف به حرف توصیف

- می‌کنند (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۲۳۲).
- ۳) روایاتی نیز حاکی از آن است که رسول خدا ﷺ کلمات و حروف قرآن را کشیده و با مد می‌خواند (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۳۳۲؛ مرکز الثقافة، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۵۸؛ سخاوی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۳۴).
- ۴) دسته‌ای از روایات، تلاوت نبوی را از جهت بلندی و کوتاهی صوت، حد متوسط میان فریاد و نجوا معرفی می‌کنند (سخاوی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۳۴).
- ۵) دسته‌ای از روایات می‌گویند که آن حضرت در میان دو آیه، وقف قابل توجهی می‌کرد (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۸۵۶؛ متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷۹۱۳).
- ۶) روایاتی نیز بیان می‌کنند که رسول خدا ﷺ گاهی در هنگام تلاوت قرآن، یک آیه را بارها و بارها تکرار می‌نمود (کلینی، ۱۳۷۵ق، ج ۲، ص ۶۰۲) تا جایی که گاهی شبی تا به صبح، یک آیه را تلاوت می‌کرد (آل عصفور، ۱۴۱۰، ص ۱۹۵).
- ۷) روایاتی هستند که تلاوت معصومان علیهم‌السلام را به گونه‌ای توصیف می‌کنند که گویی کسی را مخاطب قرار داده‌اند و پیامی را به کسی می‌رسانند (حسینی شیرازی، ۱۳۹۹ق، ص ۱۶۷).
- ۸) دسته‌ای از روایات، تلاوت مدددار و کشیده و آرام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را خالی از هرگونه نغمه و آهنگ توصیف می‌کنند (سخاوی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۳۴؛ مرکز الثقافة، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۱۱).
- ۹) روایاتی تلاوت آن حضرت را همراه با صوتی نیکو یاد می‌کنند (مرکز الثقافة، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۳۴).
- ۱۰) در روایاتی دیگر نیز تلاوت آن حضرت، دارای آهنگ و نغمه معرفی می‌شود (مرکز الثقافة، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۷۶؛ همو، ج ۲، ص ۲۳۴).
- خلاصه آن چیزی که عموم روایات حکایت می‌کنند، این است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بسیار آرام و آهسته قرآن می‌خواند؛ به گونه‌ای که تلاوت یک سوره کوتاه توسط ایشان به اندازه یک سوره بلند طول می‌کشید. آن حضرت آن قدر آرام و شمرده قرآن می‌خواند که برخی از صحابه تلاوت ایشان را تلاوتی کشیده و همراه با مد همه کلمات توصیف کرده‌اند. از سوی دیگر، این آرام خواندن آیات و پرهیز از عجله در تلاوت قرآن، مجالی را فراهم می‌آورد که ایشان همه حروف و کلمات را به طور کامل و آشکار بخوانند؛ آن چنان که هر شنونده‌ای می‌توانست حروف و کلمات را بشناسد و یا تکرار کند و به خاطر بسپارد؛ بر سر همه آیات

وقف می نمود و گاهی تنها و تنها یک آیه را بارها می خواند. تلاوت آرام و کشیده ایشان از هر نوع نغمه و آهنگی پیراسته بود. گاهی نیز آن حضرت در خلوت و در جایی که مقام تعلیم و ترویج قرآن نبود، مانند: نیمه های شب و در منزل خود، و یا در سفر و سوار بر مرکب، آیات را به صورت آهنگین می خواند.

برای این که بتوان نحوه قرآن خواندن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در ذهن به تصویر کشید، کافی است نحوه سخن گفتن کسی را که به آرامی و با دقت، پیامی را به دیگری منتقل می کند و با وی سخن می گوید، و هیبت و شکوه این موقعیت در سیمای او هویدا است، در نظر آورد. این سبک قرآن خواندن پیامبر صلی الله علیه و آله مورد تأیید الهی است و دستورات وارده در احادیث درباره چگونگی خواندن قرآن با صدای خوش، مسلم است که باید به همین صورت باشد؛ زیرا امکان ندارد پیامبر صلی الله علیه و آله به شیوه ای از خواندن قرآن امر کند و خود آن را رعایت نکنند. پس منظور پیامبر صلی الله علیه و آله از زینت بخشیدن به قرآن، با صدای خوش خواندن قرآن و به شیوه ای ساده و خالی از هرگونه پیرایش و با توجه کامل به معنا بوده است؛ نه خواندن قرآن به سبک های خاصی که امروزه رواج پیدا کرده است.

حال، در این بخش مناسب است که به تاریخچه ای از تغنی در قرآن کریم و چگونگی پیدایش آن اشاره کنیم تا بتوانیم ابعاد رشد تغنی در قرآن و نقاط انحراف این وادی را تشخیص دهیم.

امروزه مسلم است که لحن تلاوت اصیل، یعنی همان آهنگی که در قرائت قرآن از آن استفاده شده است، متأثر از موسیقی عربی است؛ یعنی در حقیقت، قالب و شاکله آهنگین تلاوت چیزی جز جلوه های موسیقی عربی نیست؛ به نحوی که با اصول شرعی و عرفی تلاوت هماهنگ باشد که از قرون ابتدایی اسلام تا کنون وجود داشته است. بر همین اساس، پیشرفت و تکامل موسیقی تلاوت نیز تحت تأثیر مراحل ترقی و گسترش موسیقی عربی بوده است. البته در عصر حاضر، به دلیل بهره گیری موسیقی های عربی از موسیقی های غیر عرب، دامنه موسیقی های تلاوت قرآن وسیع تر شده است.

تغنی (در تلاوت) در مکه و مدینه از همان ابتدا تحت تأثیر یک رشد طبیعی قرار گرفت؛ ولی حدود صوتی و هنری آن بیشتر حول ترتیل (به شیوه امروزی) قرار داشت؛ زیرا غنای عربی در آن زمان به جایگاه امروزی دست نیافته بود و کسانی که در صدر اسلام به تغنی در قرآن کریم می پرداختند؛ بهره چندانی از علم موسیقی نداشتند و در خواندن خود، بیشتر از روش هایی همچون کشش صوت، ترقیق آن، بالابردن طبقه صوتی و ... که همگی بدون

تمرین صوتی و فقدان آگاهی موسیقایی صورت می‌گرفت - استفاده می‌کردند و درورای این روش‌ها، مذهب خاصی از تغنی وجود نداشت.

پس از گسترش علم موسیقی عربی، قاریان قرآن نیز تغنی در قرآن را گسترش دادند و به جای اصوات تمرین داده نشده، از اصوات تمرین داده شده استفاده می‌کردند و این کار را با آگاهی از احکام تلاوت، آگاهی از نغمه‌ها و رعایت شأن و احترام آیات الهی زینت بخشیدند. این مسیر تا قرن حاضر ادامه پیدا کرده و همراه با تغییر و تحولات رایج در موسیقی عربی، نسل به نسل متحول گردیده است (میرزایی، ۱۳۸۸ش، ص ۲۹).

چنان که بخواهیم سرچشمه اصلی تغنی در تلاوت قرآن را بیابیم، باید نخستین نغمه گذاری‌های دینی را در صدر اسلام بررسی کنیم. صاحب نظران حوزه تلاوت معتقدند که اذان و پس از آن، خواندن آیات قرآن با شیوه‌های ترتیل‌گونه در نمازهای واجب قوی‌ترین انگیزه برای تغنی در تلاوت قرآن بوده‌اند. در این میان، نمازهای جهریه (نمازهای صبح و مغرب و عشا) - که واجب است مردان با صدای بلند بخوانند - بهترین جایگاه برای ظهور توانمندی افراد خوش صدا در تلاوت قرآن بوده‌اند. این عمل موجب شد تا مسلمانان با علاقه وافر، سعی در تغنی آیات قرآن داشته باشند و قرآن کریم را در مساجد با شیوه‌ای که ذکر گردید، قرائت نمایند. علاقه مردم به قرائت قرآن و تغنی آن حتی موجب در نظر گرفتن مکان مخصوص تلاوت در حین ساخت مساجد گردید؛ بدین ترتیب که جای مرتفعی در برابر منبر، برای تلاوت قاریان خوش صدا اختصاص داده می‌شد (همو، ص ۳۲).

پس از فتوحات مسلمانان و حصول پیشرفت در زمینه‌های گوناگون هنر اسلامی، در حوزه موسیقی عربی نیز پیشرفت‌هایی حاصل شد. این پیشرفت‌ها، به شهادت تاریخ، تابع دوره‌هایی بوده و در هر دوره نیز از ویژگی‌ها و شرایط مشخصی برخوردار شده است. در طی همین دوره‌ها، موسیقی عربی، تحت تأثیر عوامل مذهبی و اجتماعی نیز قرار گرفت و در این جریان، قالب‌هایی همچون «نیاحه»، «انشاد»، «تلاوت»، «حدا»، «غناء الغوازی» و... به وجود آمد (خشبه، ۱۹۸۳م، ص ۵).

به گواهی اسناد، موسیقی عربی در دوره اسحاق موصلی به جایگاه رفیعی دست یافت؛ زیرا مقامات موسیقی توسط وی تدوین شد. در این دوره هم چنین اجناس نغمات و ایقاعات تصحیح شد و به طور کلی، هرآنچه اعراب اهل هنر، از موسیقی استنباط می‌کردند، به آن افزوده شد. این دوره تا حدود قرن هفتم هجری قمری ادامه یافت، و پس از آن دوره‌ای با عنوان «مذهب متوسطان» در موسیقی عربی آغاز شد. ویژگی این دوره عبارت

بود از تقسیم نغمات به «اصول» و «فروع». دوره مذکور از قرن هشتم هجری شروع شد و در ادامه تا پایان قرن یازدهم هجری توسعه و تکامل یافت. تکامل نظریات و آموزه‌های دوره متوسطان منجر به ایجاد دوره‌ای به نام «مذهب متأخران» شد که در حقیقت، امتداد تکامل دوره پیش از خود بود (همو، ص ۶).

بر پایه آن چه گفته شد، موسیقی عربی در راه رسیدن به تکامل خود از موسیقی‌های دیگر نیز بهره برده و در هر قرن دچار تغییرات و ابتکاراتی شده است. پس همان طور که از بیان فوق برمی آید، این دوره‌های متعدد همگی پس از پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله به خواندن قرآن با صدای خوش امر می کردند، قدر متیقن حدیث، خواندن قرآن با همان شیوه ساده و توجه کامل به معنا بوده است. این که آیا حدیث شامل ابداعات بعد از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است و یا خیر، در پرده‌ای از ابهام و تردید قرار دارد و وقتی دلالت حدیث بر مصداقی با شک و تردید مواجه باشد، مسلم است که این دلالت کامل نخواهد بود. بنا بر این، استدلال جواز خواندن قرآن با الحان امروزی - که با استفاده از احادیثی مانند: «زَيِّتُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ»، «إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ حَلِيَّةً وَحَلِيَّةَ الْقُرْآنِ الصَّوْتُ الْحَسَنُ» و «حَسِّنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ» صورت گرفته، به دلیل عدم شمول نسبت به قرائت‌های امروزی، استدلالی ناقص و ناتمام است.

اما درباره حدیث چهارم - که در آن به غنا امر شده است، بحث و مناقشه مفصلی میان علما وجود دارد و در این که معنا و منظور از تغنی در حدیث چیست، اختلاف شده است. در خصوص این حدیث دو نظر عمده وجود دارد که یکی «یتغن» را از باب استغنا و بی‌نیازی گرفته و دیگری از باب غنا. اگر «یتغن» از باب غنا باشد، قول کسانی را که خواندن قرآن را با غنا و لحن‌های موسیقی وار جایز می دانند، ثابت می کند.

در معانی الاخبار آمده که منظور از «یتغن» در این جا بی‌نیازی است (صدوق، ش ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۷۴) و معنای حدیث چنین می شود: از ما نیست شخصی که با استعانت به قرآن بی‌نیازی نجوید. در این کتاب علت این نظر را حدیث دیگری ذکر می کند که در آن هم ماده «یتغن» به کار رفته و معنای آن حدیث این است که:

هر کسی که قرآن بخواند، بی‌نیاز می شود و از آن پس بی‌نوا نمی‌گردد. هم چنین، حدیث دیگری هم به عنوان مؤید وجود دارد:

به هر کس که قرآن داده شود و فکر کند که خدا به دیگری سرمایه‌ای فراوان تراز آنچه به او داده، عطا کرده، در حقیقت، کوچک را بزرگ و بزرگ را کوچک شمرده

است (صدوق، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۷۳).

بنا براین، این احادیث ظهور در معنای بی‌نیازی دارند. از طرفی، اگر آن امر مهمی که پیامبر ﷺ آن را از خصوصیات امتش بر شمرده و فرموده که از امت من نیست آن کسی که تغنی به قرآن نکند، بحث غنا و ترجیع باشد، یه یقین، افراد زیادی از امت پیامبر ﷺ خارج می‌شوند و از طرفی لازم می‌آید که حداقل غنا و یادگیری نغمات امری مستحب شمرده شده و ائمه معصومین در اعصار گوناگون به یاد دادن آن مشغول شوند؛ در حالی که، به گواه تاریخ، این گونه نبوده است. پس طبق سیاق بقیه احادیث می‌توان این حدیث را هم بر بی‌نیازی حمل نمود.

برخی زیبا خواندن معصومان را قرینه‌ای بر حمل معنای غنا بر کلمه تغنی ذکر می‌کنند که بر نظرایشان خدشه وارد است؛ زیرا آن چیزی که باعث ایجاد صوت حسن و نیکو است، تنها غنا نیست، بلکه خود جوهره صدا و وطنین و مساحت و زنگ آن نیز تأثیر بسیار زیادی در زیبایی خواندن دارد (شاه میوه، ۱۳۸۹ ش، ص ۳۷).

نقل است که وقتی حضرت داود مشغول به آواز بودند، تمامی وحوش و حیوانات از زیبایی صدایشان در کنار ایشان جمع می‌شدند (بحرانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۵، ص ۶۶)؛ حال این که علت اصلی این آواز زیبا، جوهره صدای عالی و خدادادی است و نمی‌توان گفت که علت آن به غنا و ترجیع مربوط است.

بنا براین، می‌توان این زیبایی تلاوت پیامبر ﷺ و ائمه معصومین را بر زیبایی صدای ایشان حمل نمود و از باب این که ایشان محل اجتماع تمامی خیرات هستند و صدای خوب هم یکی از نعمت‌ها و موهبت‌های الهی است، پس ایشان نیز از این موهبت برخوردار بوده‌اند و اگر ترجیع و غنا هم نقشی داشته، نقش آن بسیار در این زمینه کم‌رنگ بوده است. بحث تغنی در قرآن در بین فقها دارای سابقه تاریخی است؛ برخی از علما با نگاهی باز به این مسأله نگرستند و هرگونه غنای با قرآن را جایز دانسته‌اند (بحرانی، ۱۴۱۸ ق، ص ۱۰) و برخی هم با نگاهی بسته، غنای در قرآن را به طور مطلق حرام می‌دانند (حرعاملی، ۱۴۱۸ ق، ص ۲۲). اما در این میان، نظر شیخ انصاری قابل توجه است. ایشان غنا را در قرآن جایز می‌دانند و غنای حرام را مترادف با الحان لهوی قرار می‌دهد (انصاری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۳۰۰). علت این که بسیاری از علما در این مسأله اختلاف نظرهای زیادی دارند، این است که تعریف غنا از نگاه آنان متفاوت است. غنا، به معنای اعم، شامل تمام اصواتی می‌شود که بر انسان تأثیر می‌گذارد و به معنای اخص، شامل صوت لهوی مؤثر بر بدن است.

برخی با در نظر داشتن معنای اعم، حکم به حلیت صادر نموده و برخی فقط معنای اخص را دیده‌اند و حکم به حرمت نموده‌اند؛ اما در این میان، باید بین این دو معنا فرق گذاشت و غنای لهوی را حرام دانست. البته امروزه به دلیل تأثیر پذیری موسیقی‌های مختلف از یکدیگر، تعیین ملاک لهوی بودن کمی مشکل می‌نماید؛ چراکه نغمه‌های قرآن در طی این سال‌ها به شدت افزایش یافته و با ترکیب موسیقی ملت‌های گوناگون، نغمه‌های جدیدی پدید آمده است. حال، لهوی بودن نغمه‌های جدید باید بحث و بررسی شود و بی‌تردید، در صورت لهوی بودن، به کارگیری آنها در قرآن کریم حرام است.

مسأله تغنی در قرآن در قرون گذشته به دلیل گسترده و مورد ابتلا نبودن، به صورت جدی مدار بحث و بررسی قرار نمی‌گرفت و توسط فقها به صورت دقیق تبیین نمی‌شد؛ اما در حال حاضر، به بررسی دقیق و موشکافانه نیاز دارد.

بررسی دلایل عدم مشروعیت

بررسی عدم مشروعیت به جهت لهوی بودن الحان

برای ارائه یک قرائت مطلوب، به دو عنصر لحن و صوت نیاز داریم. این که صدای شخصی زیبا باشد، به تنهایی برای زیبا خواندن کافی نیست؛ بلکه باید قرائتش از لحن مناسبی نیز برخوردار باشد تا این که قرائتی زیبا و عمیق پدیدار گردد (شاه میوه، ۱۳۸۹ ش، ص ۴۰).

الحان، تأثیر زیادی در ایجاد معانی دارند؛ به طوری که با تغییر لحن، یک کلمه معانی متفاوتی پیدا می‌کند؛ مثلاً وقتی واژه «بفرما» را در فارسی با لحنی مناسب ادا کنیم، به معنای تحویل گرفتن و استقبال کردن از شخص است؛ اما اگر همین لفظ را با بیانی تند بگوییم، به معنای بی‌احترامی و عدم استقبال از وی است. در این جا با عوض کردن لحن، نوع معنایی که متکلم در ذهن خود قصد ایجاد آن را داشت، عوض شده و از معنایی نرم و محترمانه به معنایی تند و بی‌ادبانه تغییر یافته است. این تغییر حتی اثر خارجی هم دارد؛ به طوری که اگر با لحن آرام صحبت کنیم، مخاطب جذب ما شده؛ ولی اگر همان لفظ را در لحن تند به کار ببریم، مخاطب از ما ناراحت و گله‌مند می‌شود. واضح است که نوع لحن در فهم معنا چه تأثیر بسزایی دارد. قرآن کریم هم از این بحث مستثنا نیست و الحان به کار برده شده در آن باید منطبق با معنا باشد تا تأثیر بسزایی در مستمع ایجاد کند.

بی‌تردید، هدف از نزول قرآن، ایجاد تعقل است (یوسف: ۲) و از لوازم تعقل در معنایی

آیات، خواندن آن با لحن مناسب است. حال اگر الحانی که برای قرائت از آن استفاده می‌شود، دارای تناسب نباشد، باز هم ایجاد تعقل می‌کند؟ مثلاً شخصی آیات عذاب را با لحنی کوبنده و خشن می‌خواند و شخصی دیگر همین آیات را با الحانی نرم و لطیف - که متناسب با آیات رحمت الهی هستند - ادا می‌کند. حال، کدام نوع از قرائت دارای تأثیر بیشتری است؟ بی‌تردید، قرائتی که لحن به کار برده شده در آن تناسب بیشتری با معنا دارد، دارای تأثیر مضاعف است و هر قدر لحن با معنا منطبق تر باشد، تأثیر آن در مخاطب بیشتر می‌شود؛ مثلاً در قرائت مصطفی اسماعیل عده‌ای تفسیر قرآن را می‌گشودند و در زمان خوانده شدن آیات عذاب، بسیاری از مستمعین گریه می‌کردند. این‌ها همگی تأثیر قرائت قرآن با الحان متناسب است که باعث تجسم معانی و مفاهیم است (شعاعی، ۱۳۹۱ ش، ص ۶۴).

مهم‌ترین مسأله در این جا این است که قرائت ما باید به گونه‌ای باشد که هدف از نزول قرآن از بین نرود و اگر نوع قرائت ما باعث از بین رفتن هدف از نزول قرآن، یعنی تعقل باشد، بی‌تردید، دارای اشکال بوده و عدم مشروعیت آن واضح است.

استفاده از الحان لهوی - که در این زمانه بسیار شده - دارای تأثیر عکس بوده و توجه مخاطب به معنا را به کلی منحرف می‌سازد. البته به کارگیری الحان مناسب در قرائت قرآن بسیار پسندیده است و عده‌ای در این میان، راه میانه را فراموش کرده و دچار افراط و تفریط شده‌اند. برخی هر طور که بخواهند، تلاوت می‌کنند و برخی دیگر به کلی تلاوت منغومه و دارای لحن را حرام می‌دانند و با آن مخالفت می‌ورزند. این مخالفت‌ها بیشتر در کشورهای هم‌چون عربستان سعودی و برخی دیگر از کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس مشاهده می‌شود (میرزایی، ۱۳۸۸ ش، ص ۲۴۴).

مخالفان تلاوت منغومه، طرفدار حالتی از تلاوت به نام «تلاوت ناشفه» یا «قرائت جافه» هستند. ایشان معتقدند که باطن و اصل تلاوت و نوع شرعی آن همان تلاوت ناشفه است که فاقد هرگونه تنغیم و الحان متنوع باشد. این افراد با استناد به برخی از آیات و روایات، نوع فعلی تلاوت قرآن را در کشور مصر مردود می‌شمارند و مخالف با آداب شرعی تلاوت قرآن می‌دانند؛ به عنوان مثال: «برخی عقیده دارند که تنغیم در قرآن حرام است؛ چرا که نص آیات قرآنی، امر به تلاوت آن با ترتیل دارد، نه تنغیم». به همین دلیل، شیوه تلاوت منغومه در این کشورها رشد چندانی نکرده است و قاریان شاخصی نیز در این کشورها یافت نمی‌شوند (میرزایی، ۱۳۸۸ ش، ص ۲۴۵). البته این عده در انزوا قرار دارند، ولی مشکل

اصلی، رشد چشمگیر قرائت قرآن با الحان فسق و فجور در این دوران است. راه میانه‌ای که وجود دارد، این است که قرآن را با الحانی که متناسب با معانی آن است، قرائت کنیم و ازالحان فسق و فجور دوری کنیم تا قرآن تأثیر بسزایی در مستمع داشته باشد و هدف از نزول آن - که ایجاد تعقل در معانی بوده است - عملی شود و این مهم با قرائت قرآن به وسیله الحان اصیل عرب و استفاده صحیح از آنها امکان پذیر است و هرگونه استفاده از الحان فسق و فجور، فاقد وجه شرعی است.

بررسی عدم مشروعیت از طریق احادیث

قال رسول الله ﷺ: اقْرَأُوا الْقُرْآنَ بِالْحَنِّ الْعَرَبِيِّ وَأَصْوَاتِهَا، وَإِيَّاكُمْ وَالْحُونَ أَهْلَ الْفُسْقِ وَأَهْلَ الْكِبَائِرِ فَإِنَّهُ سَيَجِيءُ مِنْ بَعْدِي أَقْوَامٌ يَرْجِعُونَ الْقُرْآنَ تَرْجِيعَ الْغِنَاءِ وَالنَّوْحِ، فَلَوْ بِهِمْ مَفْتُونَةٌ وَفُلُوبٌ مَنْ يُعْجِبُهُ شَأْنُهُمْ (کلبی، ۱۳۶۵ ش، ج ۲، ص ۶۱۴).

قرآن را با لحن‌ها و آوازهای عرب بخوانید و از لحن بدکاران و لحن اهل گناهان کبیره دوری کنید؛ زیرا پس از من اشخاصی می‌آیند که قرآن را چون خوانندگی و نوحه خوانی و رهبان مآبی در حنجره بچرخانند و از گلوگاه آنان نمی‌گذرد؛ دلشان وارونه است، و دل هر که از آنان خوشش آید نیز وارونه است.

اولین نکته‌ای که در این حدیث وجود دارد، تفاوت قایل شدن بین صوت از لحن است. در این حدیث، در کنار اهمیت دادن به لحن، صوت را هم مورد خطاب قرار داده است. این نشان می‌دهد که برای قرائت مناسب هم صوت و هم لحن باید مطابق با الحان عرب باشند.

در متن حدیث از خواندن قرآن به این سبک‌های اهل فسق و فجور نهی شده است و این که در ادامه حدیث، مذمت‌های گوناگون برای این افراد آورده شده، می‌تواند دلیل بر حرمت این گونه خواندن هم باشد. این حدیث برای کسانی که قایل به حرمت غنا با قرآن هستند، دلیل خوبی است؛ زیرا نزاع در حدیث قبل در اینجا جاری نیست و بی‌تردید کلمه غنا در این حدیث، به معنای صوت لهوی به کار رفته است؛ اما این که قرآن را به شکل نوحه بخوانند، بی‌تردید دارای اشکال است.

برخی در جواز خواندن قرآن به شیوه نوحه‌گری به حدیث زیر تمسک کرده‌اند:

پیامبر ﷺ: قرآن با حزن نازل شده پس هنگامی که خوانده می‌شود گریه کنید و اگر نتوانستید گریه کنید خود را به گریه بزنید (شعیری، ۱۴۰۵ ق، ص ۱۳۱).

برای ادعای این گروه در مورد حدیث مذکور چند نقض وجود دارد: اولاً، گرچه در متن

حدیث گریه و حالت حزن در قرائت توصیه شده، ولی طبق اذعان همه علما، این حدیث شامل آیات بشارت نمی‌شود زیرا از صفات مؤمنین گریه و ترس از آیات عذاب و خوشحالی و امیدواری در آیات بشارت است و این صفت حاصل نمی‌شود؛ مگر این که شخص قاری حالت قرائت خود را با توجه به معانی مختلف در آیه تغییر دهد.

ثانیاً، تنها راه رسیدن به گریه در هنگام قرائت قرآن نوحه خوانی نیست، بلکه خود آهنگ آیه هم باعث ایجاد حالت حزن و خوف در شخص می‌شود. بنا بر این، حدیث ما مخصّص حدیث این گروه می‌شود؛ به صورتی که قرآن را باید با حزن خواند و گریست، اما نباید آن را شبیه نوحه سرایی خواند، بلکه باید از بعضی از الحان عرب - که خود محزون هستند - استفاده نمود (مانند لحن صبا).

بنا بر این، مجالی برای بحث در عدم مشروعیت قرائت به سبک نوحه خوانی باقی نخواهد ماند.

اما آیا خواندن قرآن با غنا هم دارای اشکال است؟

غنا در لغت، به معنای صوتی است که ایجاد طرب می‌کند:

الغناء من الصوت ما طرب به (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۶۵).

و در اصطلاح، به معنای کشیدن یا کشش آوازی است که طرب‌انگیز و مشتعل بر ترجیع باشد.

الغناء هو مد الصوت المشتمل علی الترجیع المطرب.

و غرض از طرب، نوعی خفت و سبکی در نفس است که از شدت شادی یا غم پیدا شود و مراد از ترجیع، تردد صوت است در حلق و دهان با اوزان مخصوص. در بین علمای شیعه حرمت غنا فی الجملة مسلم بوده و در کتاب المکاسب والحدائق دعوی عدم خلاف در حرمت آن نموده‌اند (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۲۰).

از جمله نشانه‌های آخر الزمان در روایات این است که:

روزگاری مردم نمازها را نادیده می‌انگارند، به تمایلات نفسانی اهمیت می‌دهند، قرآن را به خاطر غیر خدا می‌آموزند، علم فقه را برای غیر خدا فرا می‌گیرند، غنای حرام را در هنگام قرائت قرآن به کار می‌برند، اهل غنا و به کارگیری ابزارند و رعایت مسأله امر به معروف و نهی از منکر در بین آنها ناخوشایند است. از این چنین افرادی در ملکوت آسمان‌ها به عنوان آدم‌های

پلید و ناپاک یاد می شود (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۰۶).

این احادیث و نظر فقها حرمت قطعی قرائت قرآن را با غنا ثابت می کند، ولی در این جا یک سؤال باقی می ماند؛ غنای به معنای مطلق، شامل هرگونه صوت تأثیرگذار بر انسان می شود و به معنای اخص شامل صوتی لهوی و تأثیرگذار بر بدن است. اما خطاب آیه کدام معنای غنا را مد نظر دارد؟

این که در حدیث مورد بحث، هم لفظ غنا و هم لفظ نوحه آورده شده، دو حالت دارد: یا نوحه را برای تأکید آورده و یا این که قایل به مباین بودن غنا از نوحه است. احتمال اول بعید است؛ زیرا حدیث در مقام تأکید نیست و از طرفی اگر بخواهد غنا بر معنای نوحه هم بیابد، باید قرینه ای باشد و حال که نیست، به همان معنای اخص حمل می شود.

غنای به معنای اخص چیست؟

غنایی که در حدیث آمده، به معنای حالت قرائتی است که به خوانندگی شباهت دارد و قید «از گلویشان پایین نمی رود» - که در حدیث آمده - می تواند دلیلی بر ظاهر نمایی آنها و عدم توجه به معنا توسط ایشان باشد.

البته قید خوانندگی در الحان عرب هم وجود دارد؛ یعنی می توان الحان عرب را هم به صورت خوانندگی استعمال نمود. بنا بر این، قید «خوانندگی» - که در حدیث آمده - به لحن نظر ندارد، بلکه ناظر به کیفیت اجرا است؛ مثلاً از لحن صبا هم در توشیح و هم در قرائت قرآن استفاده می شود، اما نحوه و کیفیت اجرای آن در قرائت، با توشیح کاملاً متفاوت است.

بنا بر این، کلمه «غنا» در حدیث مورد بحث، تنها ناظر به کیفیت اجرای قرآن است و از خواندن قرآن به حالت خوانندگی نهی می کند و از طرفی در ابتدای حدیث، از خواندن قرآن به الحان غیر عرب نهی شده است و نیازی نیست که کلمه غنا را دوباره به معنای «لحن» حمل کنیم.

بنا بر این، دلالت این حدیث بر نهی از الحان غیر عرب و هم چنین اجرای قرآن به صورت خوانندگی و یا نوحه خوانی و یا رهبان مآبی کامل است.

این حدیث را می توانیم در مقابل کسانی که قایل به جواز به کارگیری همه الحان و ملودی ها در قرآن هستند، استفاده کنیم. البته در حال حاضر، شبهه ای در حرمت قرائت قرآن به شکل نوحه و یا خوانندگی وجود ندارد، بلکه نزاع در جایی است که از الحانی در

قرائت قرآن استفاده شود که این الحان بیشتر در نوحه خوانی و یا خواندن های لہوی استفاده می شوند؛ مثلاً ماہور، یکی از الحان مداحی است و بحث ما این است کہ استفاده از ماہورو یا مقامات غیر عرب دیگر در قرائت قرآن جایز است یا خیر؟

از نہی موجود در حدیث، نسبت بہ الحان غیر عرب، بہ عدم مشروعیت استفاده از این الحان پی می بریم. البتہ عدہ ای ہم با استناد بہ امثال این حدیث، ہرگونہ قرائت مجلسی را حرام دانستہ و قرائت مجاز را فقط ترتیل می دانند کہ اینگونہ عقاید در قاریان حاشیہ خلیج فارس و عربستان بہ فراوانی یافت می شود (میرزایی، ۱۳۸۸ ش، ص ۲۴۴). اما در ہر صورت، دلالت حدیث بر نہی از الحان غیر عرب، و خوانندگی و نوحہ گری با قرآن واضح است.

نتیجہ

پس از بررسی ادلہ موافقان و مخالفان تغنی در قرآن و دقت نظر در مصادیق تغنی، می توانیم چارچوب معینی را برای قرائت قرآن ترسیم نماییم. این چارچوب از احادیث استخراج می شود و بہ کمک عقل محکم و استوار می گردد. اصولی کہ برای قرائت قرآن از این مقالہ استخراج می کنیم، بدین شرح است:

۱. باید قرائت ہمراہ با توجہ بہ معنا بودہ و سرعت و کیفیت آن طوری بودہ باشد کہ فرصت توجہ بہ معنا را برای مخاطب ایجاد کند.
 ۲. الحان بہ کار رفته در قرائت قرآن باید از الحان اصیل عرب باشد.
 ۳. دوری از الحان غیر عرب و دوری از خواندن قرآن بہ شیوہ نوحہ گری دروادی قرائت لازم است.
 ۴. از عواملی کہ باعث ایجاد مانع در توجہ مخاطب بہ معنای قرآن می شود، باید اجتناب نمود و این عوامل شامل موردهای زیر می شود:
- تحریرہا و ریزہ کاری های صوتی زیاد و بی مورد، نغماتی کہ جنبہ لہوی دارند (مثل تیتراژ فیلم ها کہ در برخی موارد استفادہ شدہ)، حرکت زیاد بین پردہ های صوتی؛ بہ نحوی کہ جلب توجہ مخاطب را بہ ہمراہ داشتہ باشد و عدم تناسب لحن انتخاب شدہ با معنای آیہ در حال قرائت.
۵. عوامل خارجی ہم می توانند در توجہ مخاطب بہ معنای قرآن اختلال ایجاد نمایند؛ مانند ظاہر خود قاری و حرکات خاصی کہ در حین قرائت انجام می دہد.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- آل عصفور، محسن، المرشد الوجیز، قم: مجمع البحوث العلمية، ۱۴۱۰ق.
- انصاری (شیخ اعظم)، مرتضی، کتاب المکاسب، قم: مجمع الفكر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
- بحرانی، سید ماجد محمد بن ابراهیم حسینی، ایقاظ النائمین، قم: نشر مرصاد، ۱۴۱۸ق.
- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، مدینة معاصر الأئمة الإثنی عشر، قم: مؤسسة المعارف الاسلامیة، ۱۴۱۳ق.
- بحرانی، یوسف، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ق.
- برقی، احمد بن محمد، المحاسن، تصحیح: جلال الدین محدث، قم: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۱ق.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبد الله، المستدرک علی الصحیحین، بیروت: المكتبة العصریة، ۱۴۲۰ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، رسالة فی الغناء، قم: نشر مرصاد، ۱۴۱۸ق.
- _____، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت علیہ السلام، ۱۴۱۴ق.
- حسینی شیرازی، محمد، الفقه حول القرآن الکریم، قم: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۹۹ق.
- خشبه، فتح الله، تحقیق وشرح الشجرة ذات الاکمام الحاویة لأصول الانغام، القاهرة: الهيئة المصریة العامة للكتاب، ۱۹۸۳م.
- رضی (علم الهدی)، شریف، المجازات النبویة، قم: دارالحديث، ۱۴۲۲ق.
- سجستانی، ابن الأشعث، سنن أبی داود، قم: دارالفکر، ۱۴۱۰ق.
- سخاوی، عبد الصمد، جمال القراء وكمال الإقراء، بیروت: مؤسسة الكتب الثقافیة، ۱۴۱۹ق.
- سیوطی، جلال الدین، الإیتقان فی علوم القرآن، بیروت: دارالکتب العربیة، ۱۴۲۱ق.
- شاه میوه اصفهانی، غلامرضا، معمارى تلاوت، تهران: انتشارات تلاوت، ۱۳۸۹ش.
- شعاعی، علی اصغر، صدای ماندگار، قم: مؤسسه قرآن و نهج البلاغة، ۱۳۹۱ش.
- شعیری، تاج الدین، جامع الاخبار، قم: انتشارات رضی، ۱۴۰۵ق.
- صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیہ السلام، ترجمه: مهدی لاجوردی، تهران: جهان، ۱۳۷۸ق.

- _____، معانى الأخبار، قم: جامعه مدرسين، ۱۳۷۷ش.
- طباطبائی، محمد حسين، سنن النبي ﷺ، قم: مؤسسه نشر اسلامي، ۱۴۱۹ق.
- فيومي، احمد بن محمد، المصباح المنير في غريب الشرح الكبير، قم: دار الهجرة، ۱۴۱۴ق.
- قمي، علي بن ابراهيم، تفسير القمي، قم: دار الكتاب، ۱۴۰۴ق.
- كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، تهران: اسلاميه، ۱۳۶۵ش.
- متقي هندی، علي بن حسام، كنز العمال، بيروت: مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۹ق.
- مركز الثقافة والمعارف القرآنية، علوم القرآن عند المفسرين، قم: مكتبة الأعلام الإسلامي، ۱۴۱۷ق.
- ميرزایی، امين، الزمن الجميل، اصفهان: مهر قائم، ۱۳۸۸ش.